

اخبار

**تولید کلاه قرمزی شروع شد بدون دنیا فنی‌زاده**

مجموعه تلویزیونی «کلاه قرمزی» ویژه نوروز ۹۶ به کارگردانی ایرج طهماسب و نویسندگی حمید جبلی و ایرج طهماسب روز گذشته کلید خورد به گزارش فارس، روز گذشته مجموعه تلویزیونی «کلاه قرمزی» به کارگردانی ایرج طهماسب و تهیه‌کنندگی حمید مدرسی ویژه نوروز ۹۶ مقابل دوربین رفت. در این مجموعه عروسکی حمید جبلی (کلاه قرمزی و پسر خاله)، محمدرضا هدایتی (پسر عمه‌زا)، محمد بحرانی (بیعی و هم ساده)، بهادر مالکی (فامیل دور)، کاظم سیاحی (جیگر)، محمد لقمانیان (پسر فامیل دور)، احسان کرمی (عزیزم بخشید)، هوتن شکیبا (دیبی)، علی سرابی (گابی) و... از جمله صداپیشه‌ها و مرضیه محبوب، محمد اعلمی، شیمای بخشنده، محمد لقمانیان، مهدی برقی و... نیز عروسک‌گردان‌های «کلاه قرمزی» هستند. در بین این نام‌ها برقی و ذبیحی عروسک‌گردان‌های عروسک محبوب «جناب خان» بودند. همچنین قرار است به رسم هر ساله شاهد عروسک‌های جدیدی در این اثر بر مخاطب باشیم. به‌رغم شایعاتی مبنی بر عدم حضور عروسک کلاه قرمزی به دلیل درگذشت دنیا فنی‌زاده (عروسک‌گردان)، امسال این عروسک در «کلاه قرمزی ۹۶» حضور دارد اما عروسک‌گردان آن هنوز مشخص نیست.

**علی لهراسی: حضور من در نمایش «غبار» ارزشی و اعتقادی است**

علی لهراسی در روزهای اخیر به عنوان بازیگر و خواننده در نمایش آیینی «غبار» به کارگردانی محمدرضا مداحیان تجربه متفاوتی را در تالار وحدت پشت‌سر می‌گذارد. علی لهراسی، خواننده موسیقی پاپ که این روزها به عنوان بازیگر و خواننده در نمایش آیینی «غبار» به کارگردانی محمدرضا مداحیان حضور دارد درباره این تجربه متفاوت بیان کرد: جنس موزیک نمایش «غبار» و اجرای آن به واسطه درون مایه و محتوایی که دارد با جنس اجرای موزیک در کنسرت فرق می‌کند و چون ملودی و ترانه اثر کاری ارزشی است من کاملاً اعتقادی با آن برخورد کردم. من تا به حال زیاد روی صحنه رفتم اما تجربه‌های قبلی صرفاً اجرای موسیقی بوده ولی در اینجا چون شکل کار من بازیگری است و با اجرای صحنه‌ای در کنسرت موسیقی تفاوت دارد انگیزه‌های دیگری باعث شد کنار این گروه نمایشی باشم. این خواننده پاپ درباره تفاوت اجرای موسیقی در این نمایش با آنچه پیش از این تجربه کرده بود، عنوان کرد: احساس می‌کنم مفهوم این آهنگ را باید در دل اجرا به مردم نشان دهم. به عبارتی یک خواننده در اجرای کنسرت تنهاست و گروه ارکستر و مردم در حالتی موسیقایی به دیدن برنامه آمده‌اند اما در فضای نمایشی مخاطب برای دیدن تئاتر آمده و موسیقی ارائه شده توسط خواننده جزئی از نمایش است. اردلان شجاع کوه، میرطاهر مظلومی، شهرام عبدلی، خسروشهرزاد، جوادزیتونی، محسن افشار، شاپور کلهر، علی طهماسبی، یحیی ایراندوست و انوش معظمی بازیگران این نمایش هستند و غلامرضا آقاسی نیز در این نمایش شعر خوانی می‌کند.

**جایزه برتر ققنوس به مهدویان رسید**



جمعه‌شب گذشته ششمین جشنواره هم‌اندیشی سینما انقلاب و جایزه ققنوس، برندگان نهایی خود را شناخت و با اکران فیلم برگزیده و نمایش آن برای عموم، به کار خود پایان داد. در بخشی از این برنامه از خانواده‌های شهید روحانی و شهید قذیانی، از شهدای آتش‌نشان و همچنین شهید ترازاده از شهدای مدافع حرم تجلیل و قدردانی شد. نخستین تقدیر ویژه از آقای ابوالقاسم طالبی برای فیلم «بیتیم خانه ایران» صورت گرفت. تقدیر و تجلیل از رسانه برتر بخش بعدی برنامه بود. جایزه دوم ققنوس به دلیل همراهی و هم‌آزایی رسانه‌ای و مشارکت در ادبیات روایی سینما انقلاب به ایزد مهر آفرین، دبیر بخش فرهنگی روزنامه جوان رسید. جایزه بعدی ققنوس به دلیل پرداختن به قهرمانان مهاجر و خلق دنیای مملو از دل‌تنگی و رشادت زنانه و مادرانه و بکارگیری صحیح اصول فنی در پرداخت آینده به خانم منیر قیدی برای فیلم «ویلاهای ما» رسید. قیدی در سخنانی کوتاه از همراهی سعید ملکان برای ساخت این فیلم تشکر کرد. در نهایت جایزه برتر ققنوس نیز به محمدرحیم مهدویان برای فیلم «ماجرای نیمروز» رسید. نمایش فیلم «ماجرای نیمروز» برنامه بعدی بود که با استقبال کم‌ظنیر مخاطبان روبه‌رو شد.

**گروه فرهنگ و هنر: «کویرس؛ وطن کوچک من»** یکی از بهترین مستندهای جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر بود که مورد پسند مخاطبان بسیاری قرار گرفت؛ اگر چه داوران بخش مستند همانند اتفاقاتی که در بخش سوادای سیمیرغ برای برخی فیلم‌ها به وجود آوردند، این مستند را نادیده گرفتند. این مستند درباره یک دانشکده نیروی هوایی است که توسط گروه‌های مختلف ترویستی در سوریه محاصره شده بود. دانشکده‌ای که هر چه گروه‌های تروریستی از داعش طی ۳ سال و نیم تلاش کردند نتوانستند آن را تصرف کنند. داستان این فیلم محاصره طولانی این دانشکده است. در این فیلم کارهای فنی و استفاده از پهپاد و تصاویر هوایی به صورت عجیب و برای نخستین‌بار در یک مستند صورت گرفته است. این مستند به کارگردانی سعید صادقی و تهیه‌کنندگی مرضی شعبانی ساخته شده است. در زیر ۱۴ یادداشت کوتاه درباره «کویرس؛ وطن کوچک من» را می‌خوانیم:

امیر ایبلی، منتقد و نویسنده سینما در یادداشتی کوتاه درباره این مستند می‌نویسد: فیلم‌های مستند با محوریت داعش در چند سال اخیر را عموماً تولیداتی شامل می‌شدند که صرفاً راش‌هایی از صحنه نبرد در سوریه و عراق بودند. به این معنا که نه اطلاعات جدیدی از وضعیت کلی جبهه نبرد در این دو کشور به مخاطب داده می‌شد و نه تحلیلی از کل وقایع و ماجرا ارائه می‌دادند. تولیداتی که صرفاً به نمایش صحنه‌هایی حالا دیگر تکراری شده از دل نبرد بسنده می‌کردند و تلاش داشتند بر احساسات مخاطب بیشترین تأثیر را بگذارند که در این راه هم ناکام بودند. در این بین اما «کویرس؛ وطن کوچک من» هدف اصلی خود را بیان یک داستان از یک اتفاق مشخص در دل جنگ سوریه با همه جوانبش قرار داده است؛ از بهترین مستندهای داستانی سال‌های اخیر سینمای مستند ایران که باید آن را بهترین مستند تولیدشده درباره مساله داعش هم به حساب بیاوریم. «کویرس...» به کارگردانی سعید

**هفت** برنامه هفت بامداد شنبه روی آنتن رفت. به گزارش «وطن‌امروز» به‌روز افخمی در ابتدای برنامه گفت: ارزیابی ما از جشنواره امسال نه براساس معیارهای شخصی و فردی بلکه براساس خود فیلم‌ها بود و محال است تا زمانی که من در هفت هستم، فیلم‌ها را براساس معیاری غیر از خود فیلم‌ها نقد و ارزیابی کنیم. من همچنان بر نظر خودم هستم و به‌نظم این‌دوری نه تنها در ۳۵ سال گذشته بی‌ریخت‌ترین، غلط‌ترین و بدترین داوری بوده، بلکه آنقدر بد است که در ۲۵ سال آینده خاطرم‌باشی بقی خواهد ماند. برنامه هفت در بخش اول خود میهمان کارگردان فیلم تحسین شده «او» بود. اصغر یوسفی‌نژاد در ابتدای گفت‌وگو گفت: فیلمنامه بدون صفحات آخر و پایان‌بندی در اختیار بازیگران قرار داده شد و ۳ بازیگر اصلی ما تا دقایق پایانی بازی نمی‌دانستند پایان فیلم چه خواهد بود. همین موضوع سبب غافلگیری آنها شده بود. وی با انتقاد از تهرانیان شدن سینما گفت: سینمای ایران اگر یکی روز سینمای «ایران» بشود، در جهان شکوفاتر می‌شود. امروز ظرفیت‌های بزرگی در زبان بکر، لوکیشن‌های جدید و تازه و بازیگران تازه وجود دارد که کمتر بدان توجه می‌شود. به‌روز افخمی در ادامه با بیان اینکه بخشی از آیم ویژه هفت به دلیل فشار وزارت ارشاد حذف شده است،

**کتاب پرستوعلی عسگر نجاه: چشمان تان**

را ببینید و باند فرودگاهی را تصور کنید؛ باند خالی خالی است و تا دورترها هیچ جنبندگی جز باد در حرکت نیست. شب است. زمستان است. باد سردی می‌وزد. دقیق که می‌شوی، انگار چیزی در میانه باند است. زیر نور کمرمسق چراغ‌های فرودگاه، یک برانکار دیده می‌شود. برانکار خالی است؟ نه! انگار پیکری نحیف و لاغر روی آن افتاده است... «رحان‌هایی که مادرم دوست داشت» اینگونه شروع می‌شود. سیداکبر میرجعفری از همان نخستین کلمه‌ای که می‌گوید، دست خواننده را می‌گیرد و او را به قدم زدن در خاطراتش دعوت می‌کند. گفتیم خاطرات. بله! این کتاب که او، آن را «جنگ‌نوشته» نامیده، یک مجموعه داستان تخیلی نیست بلکه مستندوارهای داستانی است از آنچه طی روزهای جنگ بر او گذشته است. برگ برنده کتابش هم همین است؛ اینکه او نامی از خودش نمی‌برد، موقعیت زمانی و حتی مکانی بسیاری از خاطرات را مشخص نمی‌کند و در هیچ صفحه‌ای به‌طور مستقیم اشاره نمی‌کند همه این رخدادها، روزی بر او گذشته‌اند بلکه در قامت یک رزمده گمنام، پشترس خاطراتش می‌ایستد و تنها آنها را روایت

**درباره «کویرس؛ وطن کوچک من» که در میان داوری‌های شگفت‌انگیز جشنواره سی‌وپنجم دیده نشد**

**مستند داستانی در اوج حادثه**



صادقی و باتدوین تحسین برانگیز مرضی پایه‌هویت که ساخت مستند ستایش شده «فیلم ناتمامی برای دخترم سسمیه» را در کارنامه دارد بهتر از اکثریت مطلق آثار داستانی جشنواره فجر امسال شخصیت می‌سازد و داستانی می‌گوید. قصه محاصره ۳ ساله یک پادگان آموزشی و مقاومت ۱۵۰۰ دانشجوی افسری این دانشگاه با دست خالی، داستانی با تعلیق و فراز و فرودی که ساختار فیلم‌های بلند داستانی را به یاد می‌آورد، ساختاری که بسیاری از فیلمسازان داستانی هم توانایی رعایت کردن حداقلی آن را هم ندارند و حالا نسخه صدیقی در فیلم درخشانش بخوبی به آن پایبند است و ۸۰ دقیقه مخاطب را درگیر فیلمی می‌کند که می‌تواند مشت نمونه خروار کل ماجرای سوریه و جنگ داعش باشد. صادقی برخلاف مستندهای با موضوع مشابه تنها به نمایش درگیری و جنگ میدانی بسنده نکرده است و بخوبی همه اطلاعات لازم را از اینجا قطع



در فیلم درخشانش بخوبی به آن پایبند است و ۸۰ دقیقه مخاطب را درگیر فیلمی می‌کند که می‌تواند مشت نمونه خروار کل ماجرای سوریه و جنگ داعش باشد. صادقی برخلاف مستندهای با موضوع مشابه تنها به نمایش درگیری و جنگ میدانی بسنده نکرده است و بخوبی همه اطلاعات لازم را از اینجا قطع

سقوط نمی‌کند. این مستند با روایت اول شخص و قصه‌گویی واقعی از ماجرای محاصره از دیگر آثاری که درباره سوریه ساخته شده است، متمایز است. قصه‌های پر از فراز و فرود و اتفاقات پر کشش که پتانسیل تنزل به آثار بیشمار این حوزه را داشت. کویرس می‌شد ملغمه‌ای باشد از راش‌های جذاب به هم چسبیده اما روایت گرم و روان آن، به همه تصاویر در قالب سینمای مستند جان داده است. متن روان مستند با تک‌تک پلان‌های تصویری مستند در هم آمیخته شده است و صدای گرم راوی، مخاطب را مانند ساکنان اردوگاه صبور و آرام می‌کند و منظر می‌ماند تا پاسخ تعلیق ایجاد شده در تدوین را در پس فراز و نشیب‌های قصه روی پرده ببیند. اگر چه برخی جزئیات مانند تعداد ساکنان اردوگاه و چگونگی

وضعیت ارتباطی آنان با بیرون از دل مستند بیرون نمی‌آید ولی هدف فیلم نیز در مرحله اول یک مستند اطلاع‌محور نیست بلکه روایت برای همدان‌پنداری و درک کار بزرگ دانشجویان ساکن اردوگاه طراحی شده است. به همین منظور است که دوربین کویرس درون اردوگاه محصور نمی‌شود و سراغ آنچه به روایت مطلوبیت کویرس کمک می‌کند رفته است؛ از مادری که طی این ۳ سال یک لقمه خوش از گلویش پایین نرفت تا بیان شقاوت داعشی‌ها و کشتارهای آنان در موقعیت‌های مشابه. عجز از پرواز در خانه هوایم‌ها، مهم‌ترین وجه دراماتیک قصه است که نماهای پرتعداد هلی‌شات بخوبی روی آن تاکید می‌کند و درک درستی از فضای فرودگاه به مخاطب ارائه می‌دهد. سرفراز ماندن کویرس، در محلات مختلف اقسام گروه‌های تکفیری که روز و شب و با تمام قدرت در فرودگاه می‌تازند در مقابل آرامش و زندگی ساکنان در محاصره که در موقعیت جنگی قلیان می‌کشند، فوتبال بازی می‌کنند، مرغ پرورش می‌دهند و مته می‌نوشند، موقعیتی عجیب پدید آورده است که حاصل آن پیروزی وطن کوچک آنان است. وطنی که به قول ستوان نیروی هوایی فقط متعلق به سوریه و مردمان کویرس است.

**در میزگرد بررسی جشنواره سی و پنجم فیلم فجر مطرح شد**

**بی ریخت‌ترین داوری در بلا تکلیف‌ترین جشنواره**



گفت: اما ما سخنان منتقدان خود را سانسور نمی‌کنیم و حرف‌های همه مخالفانمان از جمله آقای جلیلووند را پخش کردیم؛ حتی فیلم‌هایی که لایق کاندیدا شدن نبودند و همه معتقدند جایشان در میان کاندیدا نبود و اشتباه فاحش هیات داوران محسوب می‌شوند. افخمی همچنین با انتقاد از رفتار برخی از برگزیدگان جشنواره گفت: ما از آقای جلیلووند هم دعوت کردیم تا به برنامه هفت بیایند و نقدایشان را طرح کنند ولی ایشان ترجیح می‌دهند در رسانه‌های دیگر بر ما

**نگاهی به مجموعه داستان «رحان‌هایی که مادرم دوست داشت»؛ اثر سیداکبر میرجعفری**

**روی دیگر جنگ**



می‌کند. همین است که این روایت خالصانه و متواضعانه را بر مخاطبش شیرین می‌کند. سیداکبر میرجعفری در زمستان ۹۴، دو اثر موفق را با یاری انتشارات شهرستان ادب به چاپ رسانده است؛ یکی همین کتاب «رحان‌ها...» که مورد بحث ماست و دیگری «ریختن نور روی شاخه‌های پایین» هر دوی این کتاب‌ها «زندگی‌نوشته» او هستند؛ مستند و بی‌ذخالت خیال. گاه‌گذاری حتی بخش‌های مشابه در آنها دیده می‌شود، اما تفاوت آنجاست که نویسنده، خاطرات جنگ خود را که فصل سوم کتاب «ریختن نور...» را اشغال کرده بودند در کتاب مستقلی با حوصله و بسط بیشتر شرح داده است. احتمالاً آنان که هر دوی این آثار را مطالعه کرده باشند، مانند نگارنده این

مخاطب نیز دلگیر می‌شود و حسرت می‌خورد و در انتها وقتی می‌فهمد هدیه سهیم رزمندگانی دیگر شده، نفسی از سر آسودگی می‌کشد و لیخندی بر لب می‌نشانند و با نویسنده تکرار می‌کنند: «پیرزن آن روز دلگیر به خانه‌اش بازنگشته بود.» (ص ۸۹) روایت‌های میرجعفری در این کتاب که در ۴ فصل خلاصه شده است، هر یک تصویر دقیقی از جنگ و حوالی آن نشان می‌دهد. این تصاویر که گاه بسیار ظریف و هنرمندانه توصیف شده، نگاهی تازه به مخاطب می‌دهد و او را با ابعاد کمتر دیده‌شده‌ای از جنگ آشنا می‌کند. ضمن آنکه این صداقت باعث می‌شود مخاطب، راحت‌تر با نویسنده ارتباط برقرار کند؛ مثلاً آنجا که می‌گوید اسکندری، فرماندهش، چنان پاک و زلال می‌زیسته که او دلش می‌خواست مرگ زیبایی‌اش را شاهد باشد و خواننده، صداقتش را می‌فهمد و خاطرم‌باش را با تمام وجود درک می‌کند و حتی به او، به‌خاطر خواسته عجیبش حق می‌دهد! (ص ۹۹) در پایان باید گفت کتاب «رحان‌هایی که مادرم دوست داشت» در ۱۴۴ صفحه با قیمت ۱۰ هزار تومان به چاپ رسیده است و خواندنش به کسانی که به دنبال سینه‌های ناب و کمتر‌نشان داده‌شده‌ای از جنگ می‌گردند، بشدت توصیه می‌شود!

**«برج میلاد»**

**سوزه کتاب جدید شکارسی**

حمیدرضا شکارسی از انتشار ۲ مجموعه شعر جدید خود با عنوان «شکل‌های فراموشی» و «یوسه ترسو» برای عرضه در نمایشگاه کتاب تهران خبر داد. به گزارش تسنیم، شکارسی از انتشار شعرهای کوتاه خود در مجموعه «شکل‌های فراموشی» خبر داد و گفت: این کتاب توسط انتشارات «آوی کلاز» منتشر می‌شود. وی افزود: حدود ۱۵۰ شعر کوتاه در این مجموعه منتشر می‌شود که تمام اشعار با یک فرم است، مانند اشعاری که در مجموعه «فروتنی» منتشر شد و همگی با یک فرم نگارشی بودند. در این مجموعه همه اشعار با یک جمله شروع می‌شود «گاهی فراموش می‌کنم...» و این جای خالی‌ها با کلمات مختلف پر می‌شود این شاعر همچنین از انتشار دیگر کتاب خود با عنوان «یوسه ترسو» توسط انتشارات مهر آفرید خبر داد و گفت: این کتاب نیز در بردارنده مجموعه شعرهای اجتماعی من است و ۸۰ شعر با موضوع اجتماعی و با مضامین معضلات اجتماعی، بی‌عدالتی‌ها و... را در خود جای داده است. وی در ادامه گفت: نکته جالب کتاب این است که نیمی از اشعار این کتاب با شخصیت برج میلاد سروده شده است، از این منظر نگاه تازه و مدرنی به المان‌های شهری از جمله برج میلاد شده است. شکارسی تصریح کرد: برج میلاد به گمان من در حال حاضر برج آزادی تهران را به عنوان نماد تهران پشت سر گذاشته است، وقتی در مقیاس جهانی بخوانند نماد و نشانه‌های ایران امروز به یاد بیآورند، برج میلاد را به یاد می‌آورند که نماد تهران، پایتخت ایران است. شکارسی در پایان یکی از اشعار این مجموعه را چنین خواند:

تهران غمگین  
برج میلاد غمگین‌تر  
فردا را زودتر از ما دیده است

**«زنده باد کودکی» منتشر شد**

کتاب «زنده باد کودکی» نوشته مرضی کوه مسکن به همت انتشارات آژگار به چاپ رسید. کتاب زندهداد کودکی در ستایش دوران کودکی و استفاده از فرصت و لحظات در سراسر طول دوران زندگی است و مخاطب آن عموم مردم و تمام رده‌های سنی هستند در قسمتی از این کتاب آمده است: ما انسان‌ها آنقدر مشغول بزرگ شدن هستیم که گاهی فراموش می‌کنیم باید کودکی کنیم تا بزرگ شویم اگر نه جای خالی‌اش تا آخر عمر حس می‌شود. روزگاره کودکی‌ات را می‌گیرد و در بزرگی با یک جفت چشم گریان و کوله‌باری از غم تنهایی می‌گذارد و به قصاص گناه کودکی که نکرده‌ای در بزرگسالی سنگسار می‌کند؛ فی‌الواقع خلقت انسان طوری است که روز به روز بر غم‌هایش افزوده می‌شود؛ تا سرانجام با کوله‌باری از غم ترک دنیا می‌کند، این است حکایت دنیایی که ما به آن دل بسته‌ایم. این کتاب در چاپ اول هفته گذشته در ۵ فصل و ۹۰ صفحه در قطع جیبی توسط انتشارات آژگار روانه بازار کتاب شد و قیمت آن ۱۰ هزار تومان است.

**جشنواره فیلم فجر به یک استراتژی قوی نیاز دارد**

کارگردان انیمیشن سینمایی «رهايي از بهشت» معتقد است، جشنواره فیلم فجر به یک استراتژی قوی و راهبردی نیاز دارد و با سیاستگذاری صحیح می‌توان از حواشی این رویداد کاست. به گزارش ایرنا، علی نوری اسکویی گفت: یکی از ایرادهایی که در صنعت سینمای ایران وجود دارد. آن است که وقتی مدیر سینمایی جدید روی کار می‌آید بنا بر دلایل و واسطه‌هایی، دبیر جشنواره فیلم فجر را بدون کار کارشناسی شده، تعیین می‌کند و این بدترین شکل ممکن درباره این رویداد مهم هنری است. نوری اسکویی ادامه داد: اما بهترین شکل ممکن برای جشنواره فیلم فجر آن است که شورایی متشکل از نمایندگان اصناف مختلفی که در صنعت سینما مشغول فعالیت هستند، تشکیل شود تا با یک کار و بررسی کارشناسی، دبیر جشنواره انتخاب شود. وی اظهار کرد: در سال گذشته به عنوان داور و حامی همیشه غالب بر استراتژی قوی و راهبردی در رویداد هنری بوده است. نوری اسکویی با اظهار تأسف از اینکه جای خالی سیاستگذاری در جشنواره فیلم فجر حضور داشته احساس می‌شد، گفت: مدیران سینمایی باید از اصناف برای همکاری و کمک به سینمای آینده دعوت کنند. وی تصریح کرد: وقتی سیاستگذاری درست و مشخصی برای برگزاری جشنواره فیلم فجر صورت گیرد، حاشیه‌سازی‌ها، دلخوری‌ها و مداخله‌های بی‌مورد نیز از بین می‌رود.